



بررسی استکبار در قرآن و تقارن آن با ویژگی‌های آمریکا

# امریکا با معیار قرآن «شیطان بزرگ» است

ریشه‌شناسی استکبار

واژه استکبار، از ریشه «کبر» به معنای «عظمت و بزرگی اندازه» است. کبر در اصطلاح دینی به حالتی گفته می‌شود که شامل «عجاب نفس و احساس خودبرتری» است. علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان، استکبار را «اصرار بر نشنیدن سخن حق و پذیرش دعوت الهی» تعبیر می‌نماید. گرچه طبق تعاریف رایج و در جایگاه‌های به کار رفته این واژه در قرآن، استکبار با معنای منفی به کار رفته است؛ لکن لغت‌دانان دووجه برای استکبار قائلند؛ وجه اول طلب کبریاپی و بزرگی در جایگاه و موقعیت مناسب به خود است که از قضا امری شایسته نیز هست. به عنوان مثال یکی از جایگاه‌های که در برخی روایات‌ها، از تکبر ورزیدن به عنوان ویژگی مثبت یاد شده، مقابل افراد مستکبری است که دیگران را تحقیر می‌نمایند. امیرالمؤمنین (ع) این تکبر را گونه‌ای از عبادت دانسته‌اند (التکبر عند المتکبر عباده)، اما وجه منفی استکبار ورزیدن که بیشتر در قرآن نیز با این معنی به کار رفته است، ابراز بزرگی از روی عناد و در حالی است که شایسته نیست و واقعیت چنین کبریاپی وجود ندارد که به خاطر آن رفتار مستکبرانه انجام دهد.

انواع استکبار

با توجه به کاربرد مشتقات «استکبار» در قرآن کریم، می‌توان انواعی را برای استکبار بیان نمود یا به عبارت دیگر، زمینه‌هایی را که استکبارنمایی در آنها موضوعیت می‌یابد برشمرد.

استکبار عبادی

یکی از انواع استکبار، «استکبار عبادی» است و این همان تکبر ورزیدن در برابر حقیقت است. مستکبران در نگاه قرآن، خود را برتر از آن می‌انگارند که به پرستش و خضوع و خشوع مقابل خداوندی روی بیاورند و در برابر ذات حق، اظهار بندگی کنند. خداوند این نوع استکبار را با وعده عذاب خود معرفی می‌نماید: «مَنْ يَسْتَكْبِرْ عَنْ عِبَادَتِي وَسَيَكْفُرْ بِفَيْضِ حُرْمِ اللَّهِ جَمِيعًا... وَآتَى الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا أَشَدَّ حُرْمًا فَيَذَرُوهُمْ غَدَابًا لِيَمْلَأَ وَيَجْذِبَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيَأْتُوا لِلنَّصْرِ» هر کس امتناع کند از پرستیدن خدا و استکبار بورزد، به زودی خدا آنان را گزدهم خواهد آورد... پس آنان که استکبار کردند از عبادت و پرستش استکبار ورزیدند، به عذابی در دناک دچار می‌شوند و مقابل خدا، بساری خود یار و یابوری نخواهند جست(نساء/۱۷۲).

نخستین موجودی که مبتلا به استکبار در عبودیت شد، شیطان رحیم بود. اگر چه او خوب می‌دانست خداوند خالق همه چیز و قاهر بر همه موجودات است و هزاران سال نیز در گناه او عبادت کرده بود، اما مقابل فرمان خدا استکبار ورزید و حاضر به سجده بر آدم نشد.

داستان شیطان در قرآن و برچسب استکباری که بر پشانی او خورده نشان می‌دهد، ممکن است استکبار عبادی مستقیماً از عدم عبادت نشئت نگردد، بلکه عدم خشوع مقابل مخلوقات برتر خداوند که به ایشان ولایت اعطا شده است، گونه‌ای از استکبار است که ممکن است حتی معترفین به ربوبیت خداوند را نیز به خود مبتلا نماید، همانطور که شیطان از عبادت ولی خدا روی زمین استنکاف ورزید و نامش به عنوان نخستین مستکبر ثبت شد و در عبارت قرآن به رغم اعتراف به عظمت و وحدانیت خدا، در زمره کافرین نوشته شد: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» و زمانی که به ملائکه گفتیم

به آدم سجده کنند، پس سجده کردند همه جز ابلیس، که نپذیرفت و استکبار ورزید و او از کافرین بود.

استکبار سیاسی

اینگونه استکبار به گروهی اختصاص دارد که در مقام حکمرانی قرار گرفته و سایر مردم را کوچک شمرده و خود را قیم آنان می‌دانند. سایرین را چون بردگان خود می‌انگارند و بر خلاف ضوابط عقلی و شرعی به ظلم و ستم می‌پردازند. نمونه این نوع از استکبار، فرعون است که خداوند در قرآن به آن اشاره نموده است. «فَرعونَ عَلَا فِى الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ» فرعون در زمین گردن کشی کرد و مردم را طبقه طبقه ساخت و طبقه‌ای از آنان را به استضعاف گرفت (قصص/۴). همانطور که در آن نیز اشاره شده است، نتیجه حاکمیت استکبار بر جغرافیای سیاسی یک دوره زمانی، شکل‌گیری جامعه دارای طبقه و گروه مستضعفان است.

ویژگی‌ها

«قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِن قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ، وَوَقْتِي يَبْأَمِرُ سَخْنُ حَقِّ مِى كُؤِيدِ مَرْدَمِ رَا بَه حَقِّ دَعْوَتِ مِى كُنْد، مَسْتَكْبِرَانِ مِى كُؤِيدِنْدَا، كَرِّ زِيَادِ حَرْفِ بَرْنِى، تَوْرَا اَخْرَاجِ مِى كُنْمِ (اعراف/۸۸).

استکبار اقتصادی

یکی دیگر از وجوه بارز نگرش مستکبرانه، تقارن و تکبر ورزیدن به دلیل جایگاه اقتصادی و برتری از نظر موقعیت مالی است که به دلیل جایگاه اقتصادی، خود را برتر از دیگران انگاشته

انسان است (مدرث/۱۸ تا ۲۵).

چرا امریکا شیطان بزرگ است؟

در ابتدای متن اشاره شد که اولین موجودی که خداوند صفت «استکبار» را به او نسبت می‌دهد شیطان است. در ادامه به انواع استکبار در ادبیات قرآن و قصص قرآنی پرداخته شد و با بررسی دفعات به کار رفته این واژه، نشان داده شد که واژه استکبار برای چهار گروه در قرآن به کار رفته است. حال آن که شیطان، تنها به یکی از این چهار گروه تعلق داشته و دچار «استکبار عبادی» گشت و به همین دلیل از عرش الهی اخراج و دشمن خدا و مخلوقات او زور قیامت می‌کند: «وَ قَارُونَ وَ فَرعونَ وَ هَامَانَ وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ مَوْسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِى الْأَرْضِ وَ مَا كَانُوا سَابِقِينَ» و قارون و فرعون و هامان را نیز هلاک کردیم، موسی با دلایل آشکار نزدشان رفت ولی آنان استکبار ورزیدند و اماناً نتوانستند بر خدا پیشی بگیرند (عنکبوت/۳۹).

خداوند نیز همان عذابی را که بر سر فرعون مستکبر فرود می‌آورد، بر قارون نازل نموده و او را در میان مسال و اموال خود غرق می‌نماید. فَخَسَفْنَا بِهٖ وَ بَدَارَهٗ الْأَرْضُ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُوهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ» او و خانه‌اش را در زمین فرو بردیم و گروهی نداشت که او را در برابر عذاب الهی یاری کنند و خود نیز نمی‌توانست خویشتن را نجات دهد (قصص/۲۸).

یکی از مهم‌ترین ریشه‌های طغیان و استکبار ورزیدن انسان نیز از نظر قرآن، همین احساس غنی و بی‌نیازی است: «أَنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ أَلْفُ أَلْفٍ نَاسِئٌ» همانا انسان زمانی که خود را غنی ببیند، طغیان می‌کند.

استکبار علمی

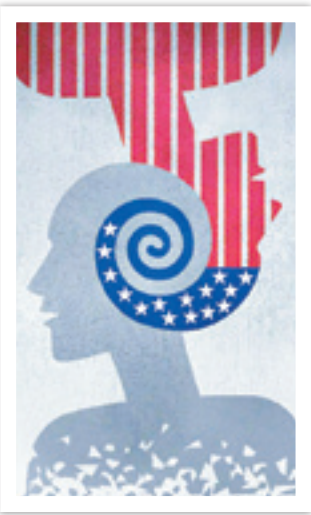
تبارشناسی مستکبران در قصص قرآنی نشان می‌دهد علاوه بر سه استکبار گفته شده، نوع چهارمی از استکبار نیز وجود دارد که به خودبرتری علمی نامیده می‌شود. فردی که به درجه‌ای از دانش رسیده است که خود را دارای احاطه به علوم می‌داند، در معرض این استکبار قرار دارد. داستان بلعم باعورا در قرآن، مصداقی است که خداوند به عنوان نمونه استکبار علمی ارائه می‌کند. «وَإِذْ عَلَّمْنَا بِلُغَتِكَ الْكَلِمَاتِ لِيُتَبَيَّنَ لِمَا لَمْ يَكُنْ يَرَى إِلَّا غَشِيًّا» همانا انسان زمانی که خود را غنی و باهوش بداند، طغیان می‌کند.



وجه سیاسی استکبار، پس از جنگ جهانی دوم و خصوصاً پس از جنگ سرد که جهان در وضعیت تک‌قطبی سیاسی قرار گرفت و آمریکا به عنوان کدخدای ده جهانی، شناخته شد به خوبی قابل مشاهده است. غرب خود را جهان اول معرفی نمود و به خود حق استعمار ملت‌ها را داد و آمریکا نیز خود را به عنوان پادشاه جهان می‌شناسد و کاملاً به خود حق می‌دهد تا بنا بر منافع خود در امور همه ملت‌ها و کشورها با هزاران فرسنگ فاصله دخالت کند و هر آن تعداد را دلش خواست بی‌کمترین دغدغه‌ای به خاک و خون بکشد و مردم دیگر کشورها را انسان‌های دست دوم تلقی کند. این روحیه تفرعن دقیقاً نشانگر عمق بعد «استکبار سیاسی» در خصلت‌های غرب و خاصه امریکاست

عدم توان درک عظمت هستی و خالق و برای توجیه علمی حرکت کائنات با علم محدود زمان خود، زمین را مرکز کل جهان می‌دانست، در غرب مدرن، حتی نخ‌نما شد و این بار انسان خودش را مرکز تصور کرد! انگاره «اگوستینوس» یا خودمرکز انگاری، به زودی به ایدئولوژی سیاسی نظامات دولت‌های برآمده برچسبان شد. «انا ربکم الاعلی» در امتداد است و آمریکا امروز دقیقاً در همین وضعیت است. کافی است به سخنان دولتمردان آمریکا نظر بیفکنیم تا روحیه خودبرتری و توقع تبعید «انسان امریکایی» و تشبیه به وی را به خوبی ملاحظه کنیم.

همچنین وجه سیاسی استکبار، پس از جنگ جهانی دوم و خصوصاً پس از جنگ سرد که جهان در وضعیت تک‌قطبی سیاسی قرار گرفت و آمریکا به عنوان کدخدای ده جهانی، شناخته شد به خوبی قابل مشاهده است. غرب خود را جهان اول معرفی نمود و به خود حق استعمار ملت‌ها را داد و آمریکا نیز خود را به عنوان پادشاه جهان می‌شناسد و کاملاً به خود حق می‌دهد تا بنا بر منافع خود در امور همه ملت‌ها و کشورها با هزاران فرسنگ فاصله دخالت کند و هر آن تعداد را دلش خواست بی‌کمترین دغدغه‌ای به خاک و خون بکشد و مردم دیگر کشورها را انسان‌های دست دوم تلقی کند. این روحیه تفرعن دقیقاً نشانگر عمق بعد «استکبار سیاسی» در خصلت‌های غرب و خاصه امریکاست. تمرکز ثروت جهان در آمریکا که پس از جنگ جهانی دوم رخ داد و حجم عمده طلای موجود در جهان به عنوان نقطه امن به این کشور



استکبار سیاسی از نگاه قرآن به گروهی اختصاص دارد که در مقام حکمرانی قرار گرفته و سایر مردم را کوچک شمرده و خود را قیم آنان می‌دانند. سایرین را چون بردگان خود می‌انگارند و بر خلاف ضوابط عقلی و شرعی به ظلم و ستم می‌پردازند. نمونه این نوع از استکبار، فرعون است که خداوند در قرآن به آن اشاره نموده است

صراط

## تعبیر «شیطان بزرگ» برای امریکا فوق العاده است



اینکه ما مدام می‌گوییم مذاکره نمی‌کنیم، ولی بعضی‌ها می‌گویند آقا مذاکره که اشکالی ندارد، اشکال مذاکره این است: شما را از راه صحیح خودت منحرف می‌کند، امتیاز را از شما می‌گیرد - وقتی مذاکره کردید یعنی یک امتیازی بدهید، یک امتیاز بگیری دیگر؛ معنای مذاکره این است دیگر، مذاکره، نشستن و گمده کردن و حرف زدن و گفت و شنود و خنده و شوخی که نیست، مذاکره یعنی یک چیزی بده، یک چیزی بگیر - آنچه را باید

بدی از شما می‌گیرد، اماناً آنچه را باید بدهد، به شما نمی‌دهد؛ زورگویی می‌کند؛ خصم مستکبر یعنی همین، استکبار جهانی یعنی همین، یعنی زورگویی کردن، خودش را برتر دانستن، پاینده به حرف خود نبودن، خود را متعهد ندانستن؛ این معنای استکبار است، وعده‌هایش را تخلف می‌کند. خوب امام بزرگوار ما فرمود: امریکا شیطان بزرگ است؛ واقعاً این تعبیر، تعبیر فوق العاده‌ای است. خدای متعال از قول شیطان نقل می‌کند که شیطان در قیامت به کسانی که از او متابعت کرده‌اند می‌گوید: اِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقَّ وَوَعَدْتُمْ فَأَلْفَتْكُمْ؛ شیطان به پیروان خودش می‌گوید خدا وعده روراست در دست به شما داده بود، شماها از وعده خدا پیروی نکردید، پاینده نماندید؛ من وعده دروغی به شما دادم، شما دنبال من راه افتادید؛ من تخلف وعده کردم، من وعده دادم به شما و تخلف کردم؛ شیطان پیروان خودش را این‌چنین در قیامت ملامت می‌کند. بعد هم خدای متعال می‌فرماید از قول شیطان که به آنها می‌گوید که «فلا تلوْمونی و لولموا انْفُسکم»، من را ملامت نکنید، خودتان را ملامت کنید. این عیناً امروز منطبق است با امریکا، حالا شیطان در قیامت این حرف را می‌زند، امریکایی‌ها امروز در دنیا این حرف را می‌زنند؛ وعده می‌دهند، عمل نمی‌کنند، تخلف می‌کنند، امتیاز نقد را می‌گیرند، امتیاز سبیه را نمی‌دهند؛ وضع امریکا این است. خوب، پس به دیگران نیاید اعتماد کرد.

۹۵/۵/۱۱ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم

پیشخوان

## انتشار آخرین گفتارهای استاد رحیم پور از غدی هنر؛ دیالوگ با فرشته یا شیطان؟

به گزارش «جوان» کتاب «هنر؛ دیالوگ با فرشته یا شیطان؟» سه گفتار از استاد رحیم پور از غدی نظریه پرداز اسلامی و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی است که در مجامع هنری و ادبی ایراد کرده است.



«هنر؛ دیالوگ با فرشته یا شیطان؟»، «هنر؛ عهد با زیبایی و حقیقت» و «ما و خاستگاه مکتب‌های ادبی و هنری» عناوین گفتارهای این کتاب است. با توجه به روکرد انتقادی و کلان استاد رحیم پور از غدی و کمبود نظر درباره فلسفه زیبایی و فلسفه هنر اسلامی، این کتاب برای

همه فعالان فرهنگی و هنری مناسب و قابل استفاده است. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: یک رکود طولانی و تعطیل در نوآوری در هنر ایران و به یک معنا در تمدن فروپاشیده اخیر مسلمین به قدر کافی می‌تواند ما را به خود آورد که چه کنیم تا دوباره نهضت خلافت و تولید اندیشه در ساحت ادب و هنر، آغاز شود و از این وضع خجالت‌آور که ما را در حوزه هنر، تقریباً به طور کامل، تبدیل می‌کند به مصرف‌کننده، واردکننده و ترجمه‌کننده نموده، خارج شویم و در عرصه‌نوآوری و خلافت، به عنوان تولیدکننده جهانی در جه‌اول شناخته شویم و ضمن مصرف تولیدات دیگران، به خود نیز احترام گذاریم. به اندیشه خود، قابلیت‌ها و استعداد‌های برادران و خواهرانمان، به غنای عظیم فرخنده در زیر غبار فراموشی و به فرهنگ و ادب و فلسفه و اندیشه و هنر این سرزمین احترام بگذاریم، خود، به صفت مسلمان بودن و ایرانی بودن...

بد است که دنیا ما را به عنوان جنبش جهانی جدیدی نه فقط سیاسی و ایدئولوژیک، به رسمیت شناخته و در همان امتداد، آماده پذیرش یک جنبش جدید ادبی و هنری نیز باشد و ما خود چنین انتظاری از خود نداشته باشیم. در دهه ۶۰، موج ادبیات مقاومت و هنر انقلاب را تجربه کردیم که کم‌سابقه و گاه بی‌سابقه بود. بی‌شک در منطقه، سابقه نداشت و اگر در سطح جهان منتشر می‌شد، انگشت‌نما می‌بود، اما ما جرئت نکردیم آن را تئوریزه و به عنوان مکتب جدید ادبی و هنری در استانداردهای جهانی عرضه کنیم. هنوز هم به خود اجازه ندادیم که آن را دست‌کم در دانشکده‌های هنر به متن درسی تبدیل کنیم. جالب است که غریبان، هنر و ادبیات انقلاب را دورادور زیر نظر نداشته و ارزیابی دائمی دارند تا بدانند نهضت جدیدی که در دنیای اسلام پدید آمده، چه نقطه عزیمتی داشته و چه چیز را تهدید می‌کند؟ و در پی چه مطالباتی است؟

دفتر نشر معارف بیش از این سه کتاب «عقلائیات»، «گفت‌وگوی انتقادی در علوم اجتماعی» و «علوم اجتماعی و رورنالیستی عقلائیات»، را از این نویسنده و پژوهشگر منتقد منتشر کرده است.

طی فراخوانی از سوی کانون اندیشه جوان اعلام شد

## اندیشه شریعتی؛ محور مقالات

### نهمین همایش «آنان که می‌اندیشند»

به گزارش «جوان» نهمین همایش «آنان که می‌اندیشند» بازخوانی و بررسی آرا و اندیشه‌های دکتر علی شریعتی در بهمن ماه بر گزار خواهد شد.

پژوهشگران، اساتید، دانشجویان و طلاب اگر جمعی می‌توانند مقالات خود را از طریق پست الکترونیک به دبیرخانه همایش به آدرس [ir.canoon@iict.ac.ir](mailto:ir.canoon@iict.ac.ir) ارسال کنند. گفتنی است مقالات باید شرایط مقاله علمی-ترویجی را داشته باشند. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره



۵۳۶-۸۸۹۶۰ داخلی ۱۱۳ تماس بگیرید. همایش «آنان که می‌اندیشند» سال‌هاست در کانون اندیشه جوان برگزار می‌شود و بناسمت که آثار متفکران غربی و معاصر ایرانی را بررسی کند. از اندیشمندان غربی آرای کسانی مانند هایدگر و فوکو بررسی شده و از ایرانی‌های معاصر به آثار کسانی چون دکتر نصر و شهید آوینی پرداخته شده است و با استقبال چهره‌های جوان روبه‌رو شده است. این دوره از همایش به بازخوانی آرای دکتر شریعتی اختصاص دارد.